

هشدار امام!

((... دعوای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعوا

می کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاری. آگهی. فرهنگی


سال سی و دوم / شماره ۱۲

شماره مسلسل ۱۴۱۱

نیمه دوم شهریور ماه ۱۳۹۰


۲۰۰ تومان

کتابخانه حضرت
آیت الله مرعشی نجفی،
گنجینه ماندگار در
جهان اسلام



صفحه ۲

امام علی (ع)
منشأ پیدایش
سیر معنوی
گفتاری از علامه طباطبائی



صفحه ۸



یادی از آیت الله حکیم
جهانگیر خان قشقایی:
مصلح اجتماعی
حوزه های علمیه



صفحه ۹


آیت الله موسوی بجنوردی:
نیازی به رویت
هلال ماه نیست



صفحه ۱۲

تجلیل از استاد خسروشاهی
به خاطر مجاهدت ها و دفاع از
حریم مکتب اهل بیت (ع)

بزرگداشت
استاد سیدعلی
موسوی گرمارودی
در انجمن آثار و مفاخر
فرهنگی



صفحه ۱۱

رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی:
وهابیت پیامبر (ص)
را هدف قرار
داده است

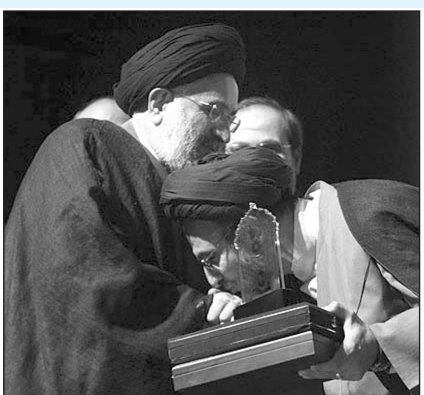


صفحه ۱۲

همایش تحولات جهان اسلام و ضرورت
آشنایی ملت ها با مکتب اهل بیت (ع)
عربستان و انقلاب های عربی

برگزاری چهارمین جشنواره کتاب دین / تجلیل از کتاب آیت الله محقق داماد

نظر فقیهان مغفول مانده است. وی افزود: شاید این مسأله از یک جهت و در نظر بدوی حق به جانب آنها باشد. چرا که وقتی کتب فقهی را باز می کنیم موضوعاتی چون تجارت، بیع و غیره که عقود معین هستند مورد توجه قرار گرفته اند و جایی برای قراردادهای، تعهدات، التزامات در فقه وجود ندارد و کتابی مستقل در این زمینه وجود ندارد.



رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در هنگام اهدای جایزه به آیت الله محقق داماد، دست ایشان را به نشانه احترام و تقدیر بوسید

این استاد دانشگاه در پایان تأکید کرد: لذا این موضوع باعث شد تا از ۱۰ سال پیش در مورد این موضوع تحقیق کنم که حاصل آن در سال ۸۹ به صورت کتاب منتشر شد. در واقع در این کتاب زحمات فقها را به زبان امروزی مطرح کرده ام. در فلسفه، کلام، عرفان و اخلاق اسلامی رضا کورنگ بهشتی با ترجمه اثر سنت گرایی حائز رتبه برتر و محمد جواد شمس با اثر تنزیه و تشبیه در مکتب ودانته و مکتب ابن عربی شایسته تقدیر شناخته شد. در تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی محسن رنجبر با کتاب جریان شناسی تاریخ قرائنها و رویکردهای عاشورا از صفویه تا مشروطه عنوان رتبه برتر را از آن خود کرد و محمد حسین ساکت با اثر اعلام الوری با اعلام مهدی شایسته تقدیر شناخته شد. در بخش دین و علوم انسانی مهدی براتعلی پور با اثر بازخوانی آموزه های سیاسی اسلام شیعی و مسأله تحزب شایسته تقدیر شناخته شد. همچنین در بخش کودک و نوجوان غلامرضا حیدری با کتاب دائرة المعارف قرآن شایسته تقدیر شناخته شد.

چهارمین جشنواره کتاب دین با شناخت نفرات برگزیده خود در محل حوزه هنری به کار خود پایان داد. به گزارش خبرنگار مهر، چهارمین جشنواره کتاب دین و پژوهشهای برتر چهارشنبه ۱۶ شهریور ماه به اهتمام معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی در محل حوزه هنری برگزار شد. این جشنواره در محورهای علم قرآن و حدیث؛ فقه و حقوق اسلامی؛ کلام، فلسفه، عرفان و اخلاق اسلامی؛ تاریخ، فرهنگ و تمدن اسلامی؛ دین و علوم انسانی مرتبط؛ ادبیات داستانی و رمان؛ و کودک و نوجوان به بررسی آثار پرداخت.

در بخش علوم قرآن و حدیث مصطفی دلشاد تهرانی با اثر دلالت دولت حائز رتبه برتر شد و ترجمه روشنگر اثر کریم زمانی و دانشنامه امام حسین (ع) اثر محمد محمدی ری شهری شایسته تقدیر شناخته شدند.

در بخش فقه و حقوق اسلامی آیت الله سید مصطفی محقق داماد با کتاب نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی حائز رتبه برتر شد.

در این مراسم آیت الله دکتر سید مصطفی محقق داماد نفر برگزیده بخش فقه و حقوق اسلامی به سبب تألیف کتاب نظریه عمومی شروط و التزامات در حقوق اسلامی نیز به معرفی اثر خود پرداخت و گفت: حقوق اسلامی در نوشته های حقوقی معاصر متهم است که به تعهدات توجه نداشته است و بحث تعهدات از

جدیدترین کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

به کوشش استاد سید هادی خسروشاهی



اعلامیه های صادر شده با امضای حوزه علمیه قم



بعثت
نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم
۱۳۴۲-۴۴



نهضت آزادستان
و شهید شیخ محمد خیابانی



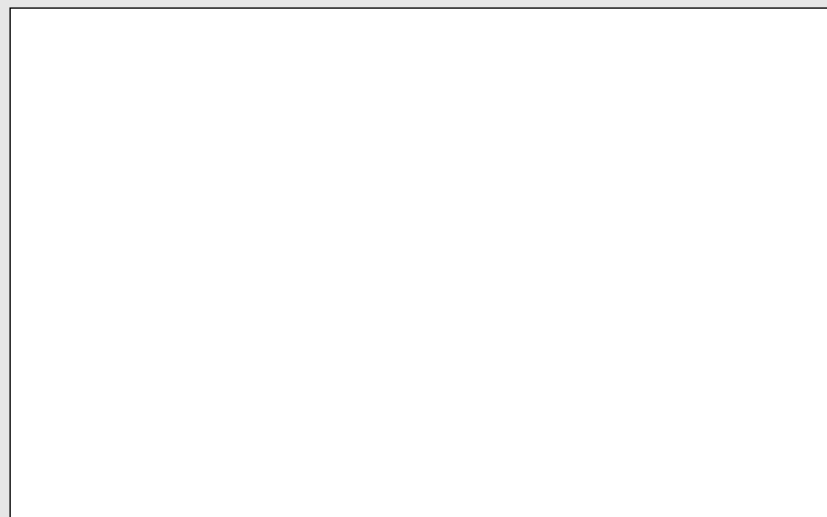
انتقام
نشریه مخفی طلاب حوزه علمیه قم
۱۳۴۲-۴۴



اعلامیه ها و بیانیه های فضلا و طلاب حوزه علمیه قم

تلفن مراکز فروش: تهران (۰۲۱-۲۲۲۱۱۹۴) قم (۰۲۵۱-۷۷۳۶۴۲۴)
جهت خرید اینترنتی می توانید به سایت www.ketabeparsi.com مراجعه فرمائید.

تجلیل از استاد خسروشاهی به خاطر مجاهدت‌ها و دفاع از حریم مکتب اهل بیت (ع)



داشتند و از من خواستند نه به عنوان شعبه ای از حزب در ایران، بلکه یک تشکیلی مشابه در حوزه علمیه قم بوجود بیاوریم، البته با توجه به فضای حاکم در ایران و جوی که در حوزه علمیه قم بود بنده از ایشان خواستم که در این عرصه وارد نشوم بویژه سن من هم ایجاب نمی کرد که در کادر اصلی این نهاد باشم ولی به تعهدم عمل کردم و آن راز را با کسی در میان نهادم و در این اواخر مختصری از خاطرات را نوشته ام که آماده چاپ است و بسیاری از برادرانی که امروز اداره امور عراق را به دست دارند مانند آقای جعفری، نوری مالکی، علی دباغ و ... تربیت یافتگان مکتبی هستند که علامه عسکری یکی از پایه گذاران آن بود.

مساله ای که در اینجا می تواند تاثیر گذار باشد این است که ایشان و همکارانشان در نیم قرن پیش برای این بیداری اسلامی کتاب نوشته اند. کتابهایی که شهید صدر در فلسفه و اقتصاد و اجتماع نوشتند در واقع کمر مارکسیستها و سرمایه داران را شکستند. یعنی در واقع در عالم فکر و اندیشه مطالبی را عرضه کردند که مارکسیست ها در مقابل آن عاجز ماندند. علل و عوامل گوناگونی در بیداری اسلامی کنونی هست ولی باید پذیرفت ولی باید پذیرفت پایه گذاران اصلی بیداری اسلامی در کشورهای عربی شخصیت هایی چون شهید صدر و علامه عسکری بودند و البته رهبری امام خمینی در پیروزی رساندن انقلاب اسلامی نقش اساسی دارد.

این ادب از شجاعت فراموش نشدنی برخوردار است یک محقق شجاع که وارد عرصه های پیچیده علمی و فکری و اعتقادی می شود و با شجاعت و قدرت از میدان بیرون می آید، اینها ثمرات ارزشمند تربیت در مکتب اهل بیت ع است اگر انسان خود را آراسته بنماید به آراسته های دینی به آرایه های مکتب اهل بیت ع این ظرفیت ها و توانایی ها را به دست خواهد آورد این است که جهان تشیع در همه عرصه ها پیشگام است. امروز در عرصه سیاست و رویارویی با نظام سلطه و دفاع از هویت اسلامی و ملی امت اسلام این ملت ایرانند این پیروان مکتب اهل بیت هستند که راه را به روی ملتها گشودند. و یک جبهه قدرتمند اسلامی را از غرب تا شرق شکل دادند هلال اسلامی ثمره رویش تفکر شیعی است در تقابل با نظام سلطه و مزدوران آنها در منطقه. اگر در عرصه تبیین مبانی فقهی و اصولی راه پیدا می کنند مقتدرترین، غنی ترین، کارآمدترین کتب علمی را به یادگار می گذارند که نمی توانند دیگران در این عرصه ها در کمترین سطح رقابت با آنها حضور پیدا کنند. و اگر در عرصه های تاریخی حضور پیدا می کنند آثار ارزشمند این عالم بزرگ را می بینیم.

در پایان همایش تحولات جهان اسلام و ضرورت آشنایی ملت‌ها با مکتب اهل بیت (ع)، مراسم تجلیل از خدمات علمی حجت الاسلام والمسلمین استاد سیدهادی خسروشاهی به خاطر مجاهدت‌ها و دفاع از حریم مکتب اهل بیت (ع) با حضور حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن ابوترابی نماینده مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام حسین زاده مدیر عامل موسسه علامه عسکری و حجت الاسلام عبدالمجید حکیم الهی معاون روابط بین الملل جامعه المصطفی و العالمیه برگزار شد.

استاد خسروشاهی در سخنانی کوتاه با اشاره به خاطره ای از شهید محمد باقر صدر گفت: حدود نیم قرن پیش نجف مشرف شده بودم خدمت مرحوم شهید محمد باقر صدر و مراجع عظام رسیدم و در درس برخی شرکت کردم. شهید صدر به من گفتند که حتما با آقای عسکری که در کاظمین است ملاقات کنید و آیت الله شیخ محمد مهدی آصفی نامه ای نوشتند و مرا معرفی نمودند. به بغداد و کاظمین رفتم مرکز کلیه اصول الدین خدمت ایشان رسیدم. بحثهای بسیاری شد. ایشان یک تعهد شرعی از من گرفتند که مطلبی را که مطرح می کنند چه جواب مثبت باشد چه منفی با احدی در میان نگذارم. ایشان شرحی درباره حزب الدعوه الاسلامیه که با همکاری آیت الله صدر و آیت الله سید مهدی حکیم و چند تن از علمای دیگر بطور مخفی تأسیس شده بود شرحی را بیان

علامه عسکری چند ویژگی را در کنار هم داشت. اولاً یک محقق به معنای واقعی کلمه بود. پشتوانه علمی که ارائه می کرد صدها کتب و مقاله و مستندات علمی است که بر انتقان و استحکام نظریات او می افزاید. در کنار این کار تحقیقی یک نوآور و یک عالم فرزانه ای بود که از انوخته های علمی خویش برای تفکر نوین بهره می گرفت. اگر بگوییم شخصیتی چون شیخ انصاری مجدد فقه و اصول است شخصیتی مثل آیت الله علامه عسکری یک مجدد قدرتمند در عرصه تاریخ اسلام و نقد احادیث و نقد رجال در حوزه های فکری و اعتقادی است. او در کنار این ویژگی ها از یک ادب و متانت کامل برخوردار است. وقتی او احادیث نقش عایشه را مورد نقد قرار می دهد از او به عنوان عایشه ام المومنین با کمال ادب یاد می کند و در یک بحث کاملاً علمی کار بزرگی را که علمای بزرگ ما در نقد شخصیت ابوهیره انجام داده اند او در یک نقد علمی و تحقیقی به کلمات نقل شده از عائشه با عنوان ام المومنین انجام می دهد. و آنقدر این نقد مستحکم است که جایی برای پاسخ با آن باقی نمی گذارد و در اینجا است که علامه شهید مرتضی مطهری از او با تجلیل یاد می کند. در کنار

تاریخ اسلام را ورق زدند روایاتی که از عبدالله بن سبا نقل شده به نقد گذاشتند در حوزه دفاع برآمدند اما هیچ هوشمندی در تاریخ اسلام نبود که بتواند با مشاهده سیف بن عمر در کنار نام عبدالله بن سبا به این فرضیه علمی راه یابد و در مورد شخصیت او یک تحلیل دقیق علمی را ارائه دهد و ما را نه در موضع دفاع بلکه در موضع تهاجم به یاره گویانی قرار دهد که تشیع را در این شخصیت جعلی تاریخ تفسیر می کردند. تاریخ اسلام را مورد نقد قرار داد کسانی علیه شیعه هجوم می کردند در موضع دفاع قرار داد که به یک بازنگری مجدد و نقد مستندات تاریخی خود بپردازند و با کلمات جعلی تاریخی به جنگ واقعیت های تاریخی نروند. وقتی با نقل احادیث از حدود ۱۵۰ صحابی جعلی به تحریف در تاریخ اسلام پرداختند یک شخصیتی مثل این عالم بزرگوار برخاست و نقل کنندگان این احادیث را مورد نقد قرار داد و تار و پود آنها را مورد در معرض نگاه محققین نهاد و بنیان دهها و صدها حدیث جعلی و انحرافی را از اساس فرو ریخت و کاری است بسیار بزرگ. همانطور که اشاره کردند بر اساس نقل دروغین مورخین فیلمی را بسازند و در معرض نگاه قرار بدهند که مستندات آن از نظر ادله قطعی و تاریخی فرو ریخته است کاری بزرگ است که آن شخصیت بزرگ جهان اسلام نمود. معالم المدرستین یک مقایسه تطبیقی علمی بین دو مکتب و تبیین شفاف معارف اهل بیت با نگاهی دور از کمترین تعصب، فارغ از کمترین نگاه غیر علمی کار این شخصیت بزرگ است. بعد از چاپ و تدوین این کتب بسیاری از دانشمندان اهل سنت به استحکام و اتقان آن اعتراف کردند. بعضی از علمای طراز اول سعودی به استحکام ادله آن اذعان نمودند. بسیاری علمایی که در دفاع از حق و مبانی تفکر شیعه قلم زده اند. اما کار این عالم بزرگوار با دیگران قابل مقایسه نیست. لذا شخصیتی مانند آیت الله مصباح از این عالم بزرگوار با بیانات بسیار بلندی یاد می کند که مناسب است به بعضی از فرازهای آن اشاره کنم. می فرمایند: اولاً شخصیت آیت الله مصباح یکی از مصادیق بارز کلام معصوم است. مرزبان تفکر و اندیشه اسلام می گوید: اگر ما بخواهیم برای این علما مصادیقی ذکر کنیم آیت الله علامه سید مرتضی عسکری یکی از برجسته ترین مصادیق آن است. مرزبان تفکر و اندیشه دینی. بعد می فرماید: این محقق بزرگوار اولاً از همه ظرفیت علمی خود استفاده کرد تا با تکیه بر قرآن و سخنان پیامبر و کلمات اهل بیت ع حق را تبیین کند و در یک گام بلندتری به تبیین اصول و مبانی تفکر اسلامی با استناد به قرآن کریم پرداخت تا راه را برای همه پیروان قرآن کریم بنمایاند. در کتاب عقاید الاسلام عن القرآن الکریم اصول و مبانی دینی را از نگاه قرآن با یک دقت نظر و مبانی استدلالی قوی روشن نمود. همین نگاه موجب می شود که مقام معظم رهبری طی یک نامه به این عالم بزرگوار با اشاره به خدمات ارزشمند او در دانشکده اصول الدین بغداد که این کتب ارزشمند ثمره تلاش علمی آن دانشکده بود از این عالم بزرگوار می خواهند که آن کار ارزشمند و تجربه مفید را در حوزه علمیه قم تکرار کنند و در ایران اسلامی اساس مجدد دانشکده اصول الدین را بنیان بنهند و خوشبختانه این عالم بزرگوار به این مهم نایل گردید و در طول عمر مبارک و پر ارزش خویش خدمات بزرگ و ارزشمندی را به جهان اسلام تقدیم داشت.

است که پخش می شود. گروه هایی را تشکیل داده ایم گروهی نقد فیلم می کند از منظر فقه، گروه کلام داریم از منظر کلام، گروه تاریخ از منظر تاریخ اسلام نقد می شود و همه نقد ها هر روز از طریق کانالهای ماهواره ای پخش می شود اما بدون هر گونه جنجال آفرینی، اما بیشترین دستمایه و منبع و مصدری که از آن استفاده می شود کتابهای مرحوم علامه عسکری است. بعضی از دوستان اظهار می کردند گویا مرحوم علامه عسکری چند ده سال پیش می دانسته است که ما امروز نیاز به یک چنین کتابی داریم که نوشته اند و امروز مصدر و منبعی برای دفاع از تشیع است. این فیلم کیان شیعه را هدف گرفته است اولین هدف آن تاکید بر این است که شیعه زاینده عبدالله بن سباست. مسائل دیگری که تاکید می کند تطهیر و پاک کردن بنی امیه است. اما امروزه خوشبختانه دست ما پر است و ما از این منابع و مصادر علامه عسکری استفاده می کنیم.

علامه کاری را انجام داد که در توان کس دیگر نبود

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد حسن ابوترابی فرد نماینده مردم قزوین در مجلس شورای اسلامی سومین سخنران مراسم بود که با اشاره به روایتی از امام صادق (ع) و تعبیر علمای اسلام به مرزداران تشیع با استناد به کتاب معجم الرجال سخنان خود را این گونه آغاز کرد:

حضرت آیت الله العظمی خویی در جلد ۱۰ معجم الرجال وقتی می خواهند شخصیت عبدالله بن سبا را مورد بحث بگذارند می فرمایند علامه بزرگوار والباحث المحقق محقق تیزهوش و توانمند سید مرتضی عسکری در بررسی های عمیق و دقیق خود درباره این فرد جعلی تاریخ اسلام ما را از ورود در این عرصه بی نیاز کرده است. و اشاره می کنند به کتب ارزشمند این استاد بزرگ در تحلیل عبدالله بن سبا و ۱۵۰ صحابی جعلی تاریخ اسلام. همین جایگاه ویژه و برجسته است که موجب



گردیده شخصیت علامه سید مرتضی عسکری یک شخصیت متفاوت و متمایزی در میان علمای اسلام و پاسداران از حوزه تفکر و اندیشه دینی باشد.

علامه شیخ محمد مهدی آصفی وقتی به تحلیل شخصیت این عالم فرزانه می پردازند اظهار می دارد اولاً گرامیداشت و بزرگداشت عالمه سید مرتضی عسکری بزرگداشت یک شخص نیست بزرگداشت منزلت علم و تحقیق و عالم است بعد می گوید در دفاع از تفکر شیعی علمای بزرگ گامهای بلندی را برداشته اند اما کاری که این عالم بزرگ و فرزانه جهان اسلام نمود کاری است استثنایی. می گوید بسیاری بودند که افتادن یک سبب را از درخت بر زمین مشاهده می کردند اما هرگز این فرضیه در ذهن آنان شکل نگرفت که چرا این سبب به سمت راست یا چپ یا بالا حرکت نکرد بر زمین و پایین فرود آمد. این سوال در ذهن یک اندیشمند تجسم یافت و توانست یک قاعده علمی بزرگ را کشف کند. می گوید بسیاری

امام علی (ع)، منشأ پیدایش سیر معنوی

گفتاری از علامه طباطبایی

صادر شده و رویه‌هایی اخذ می‌شد که سابقه‌ای در میان دستورات شرع اسلام نداشت.

کم‌کم این عقیده مسلم گردید که طریقه معرفت نفس در عین اینکه راهی است برای معرفت حق - عز اسمه - و نیل به کمال معنوی، و به خودی خود، پسندیده خدا و رسول، مع ذلک بیان این راه از شرع مقدس اسلام نرسیده است! در دنبال این عقیده، هر یک از مشایخ طریقت، برای تربیت و تکمیل مریدان خود، دستوراتی تهیه کرده و به مورد اجرا گذاشتند و انشعاباتی هم در سلسله‌ها پیدا شد.

در نتیجه همین عقیده و عمل، روز به روز طریقت از شریعت فاصله گرفت تا آنجا که طریقت و شریعت، درست در دو نقطه متقابل استقرار یافتند و نغمه "سقوط تکالیف" از بعضی افراد بلند شد و عبادت‌های پاک دینی به شاهدبازی و حلقه‌های نی و دف و ترانه‌های مهیج و رقص و وجد تبدیل گردید و طبعاً جمعی از سلاطین و اولیای دولت و توانگران و اهل نعمت که فطرتاً به معنویات علاقه‌مند بودند و از طرف دیگر نمی‌توانستند از لذایذ مادی دل بکنند، سرسپرده این طوایف شده، هرگونه احترام و مساعدت ممکن را نسبت به مشایخ قوم بذل می‌کردند که این خود، یکی از بذرهاى فساد بود که در میان جماعت نشو و نما می‌کرد. بالاخره عرفان به معنی حقیقی خود (خداشناسی یا معادشناسی) از میان قوم رخت بر بسته، به جای آن جز گدایی و دریوزه و افیون و چرس و بنگ و غزلخوانی، چیزی نماند.

سرایت این سلیقه به شیعه

اجمالی که مربوط به آغاز پیدایش و سرانجام طریقه عرفان گفته شد، برای کسی که محققانه و با کمال بی‌طرفی به کتب و رسائلی که در سیر و سلوک تألیف یافته و همچنین تراجم و تذکره‌هایی مانند تذکره شیخ عطار و نفحات و رشحات و طبقات الاخیار و طرائق و نظایر آنها که متضمن جهات تاریخی طریقت و رجال طریقت است، مراجعه نماید، در نهایت روشنی است. سخن ما اگرچه در سیری بود که طریقت عرفان در میان اکثریت اهل سنت نموده بود و جهات نقص و فساد را توصیف می‌کردیم که قوم گرفتار آن شده بودند، ولی نمی‌توان انکار کرد که اقلیت شیعه نیز به همین درد مبتلا شده است و اتحاد محیط، با تأثیر قهری و جبری خود، همین فساد را به داخل جمعیت اهل طریقت از شیعه نیز انعکاس داده است، و همان طور که روش عمومی اجتماعی اکثریت که از سیرت جاریه زمان رسول اکرم (ص) منحرف شده بودند، شیعه را تحت الشعاع قرار داد و نگذاشت سیرت نبی اکرم (ص) را پس از استقلال، در میان جمعیت متشکل خود اجرا و عملی سازد، همچنین سلیقه‌های علمی که شیعه از ائمه اهل بیت علیهم السلام اخذ کرده بود، با آن همه صافی و روانی، در کمترین زمان تحت تأثیر سلیقه‌های علمی جماعت قرار داده شد و رنگ‌های نامطبوعی از آنها گرفت. همچنین طریقه عرفان نیز به رنگ طریقت جماعت در آمد و تقریباً به همان سرنوشت که توصیف کردیم، دچار شد...

فسادها و اختلالات در روش و اعمال طایفه‌ای که از یک مشرب و مسلک عمومی کلی منشعب شده‌اند، دلالت بر فساد و بطلان اصول اولی آن طایفه ندارد و به همین سبب، بحث و کنجکاوی از چگونگی اصول اولی آنها را نباید در روش و اعمال فرعی آنها انجام داد، بلکه باید به سراغ مواد اولی اصول آنها رفت. از این رو در تشخیص رابطه شریعت و طریقت و لزوم و عدم لزوم موافقت میان آنها، از نظریه‌های خصوصی سلسله‌های مختلف عرفان چشم پوشی نمود، به نظر کلی خود اسلام که سرچشمه خدا شناسی می‌باشد (به هر معنی که فرض شود) مراجعه می‌نماییم.

به پیشرفت خود ادامه داده است. در همه این مدت، اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق اهل سنت، در حق سه خلیفه اولی، بیشتر از اعتقادی بود که به خلیفه چهارم و پیشوای اول شیعه داشتند؛ اعتقاداً آنها را افضل می‌دانستند و عملاً نیز اخلاص و ارادت بیشتری به آنها داشتند.

در همه این مدت، مقام خلافت و کارگردان جامعه، اعتقاد خوشی در حق اهل بیت علیهم السلام نداشتند و آنچه فشار و شکنجه بود، نسبت به دوستان و منتسبان آنها روا می‌دیدند و دوستی اهل بیت، گناهی نابخشودنی به شمار می‌رفت. اگر مقصود این طوایف از انتساب به آن حضرت، مجرد ترویج طریقه آنها و جلب قلوب اولیای امور و عامه مردم بود، هیچ دلیلی نداشت که خلفای مورد علاقه و اخلاص دولت و ملت و به ویژه خلیفه اول و دوم را رها کرده، به دامن پیشوای اول شیعه بچسبند، یا مثلاً به امام ششم یا هشتم انتساب جویند.

پس بهترین است که متعرض اصل انتساب نشده، در بررسی دیگری به کنجکاوی پردازیم و آن این است که جمع معدود پیشروان این طوایف، از اکثریت تسنن بودند و در محیط تسنن زندگی می‌کردند و روش و طریقه‌ای جز روش و طریقه عمومی جامعه که همان راه تسنن بود، تصور نمی‌کردند. آنان وقتی که برای اولین بار به مکتب معنوی اهل بیت اتصال پیدا کردند و از نورانیت امام اول الهام یافتند، چون هرگز باور نمی‌کردند و حتی به ذهنشان نیز خطور نمی‌کرد که پیشوای معنویت که خود یکی از خلفای اربعه و جانشین گذشتگان خود می‌باشد، در معارف اعتقادی و عملی اسلام نظری ماورای نظر دیگران داشته باشد، همان موجودی اعتقاد و عمل تسنن را زمینه قرار داده، با همان مواد اعتقادی و عملی که در دست داشتند، شروع به کار نمودند و با همان زاد و راحله عمومی، راه سیر و سلوک را در پیش گرفتند.

این رویه از دو جهت در نتایج سیر و سلوک و محصول مجاهدات معنوی آنان نقایصی را به وجود آورد: اولاً نقطه‌های تاریکی که در متن معارف اعتقادی و عملی داشتند، حجاب و مانع گردید از اینکه سلسله حقایق پاک برای آنها مشکوف شده، خودنمایی کند و در نتیجه محصول کارشان به صورت مجموعه‌ای درآمد که خالی از تضاد و تناقض نمی‌باشد. کسی که آشنایی کامل به کتب علمی این طوایف دارد، اگر با نظر دقت به این کتب مراجعه نماید، صدق گفتار ما را به رأی العین مشاهده خواهد کرد.

وی یک رشته معارف خاصه تشیع را که در غیر کلام ائمه اهل بیت علیهم السلام نشانی از آنها نیست، در این کتب مشاهده خواهد کرد و نیز به مطالبی بر خواهد خورد که هرگز با معارف نام برده، قابل التیام نیست. وی خواهد دید که روح تشیع در مطالب عرفانی که در این کتابها هست، دیده شده است؛ ولی مانند روحی که در یک پیکر آفت دیده جای گزیند و نتواند برخی از کمالات درونی خود را آن طور که شاید و باید از آن ظهور بدهد یا مانند آینه‌ای که به واسطه نقیصه صنعتی، گره‌ها و ناهمواری‌هایی در سطحش پیدا شود، چنین آینه‌ای صورت مرئی را نشان می‌دهد؛ ولی مطابقت کامل را تأمین نمی‌کند.

ثانیاً نظر به اینکه روش بحث و کنجکاوی آنها در معارف اعتقادی و عملی کتاب و سنت، همان روش عمومی بود و در مکتب علمی ائمه اهل بیت علیهم السلام تربیت نیافته بودند، نتوانستند طریقه معرفت نفس و تصفیه باطن را از بیانات شرع استفاده نموده و دستورات کافی راه را از کتاب و سنت دریافت دارند؛ لذا به حسب اقتضای حاجت، در مراحل مختلف سیر و سلوک و منازل مختلفه سالکان، دستورات گوناگونی از مشایخ طریقت

تاریک جامعه که روز به روز تاریک تر می‌شد و همچنین ستمگری فزون از حد و بی‌بند و باری عمال حکومت که در تمام مدت حکمرانی بنی‌امیه ادامه داشت، این معنی را پیش مردم مسجل کرد که اساس دین از جانب مقام خلافت، هیچ‌گونه مصونیت ندارد و نمی‌شود زمان احکام و قوانین دینی به دست مقام خلافت سپرده شود و اجرای آن منوط به اجتهاد و صوابدید خلیفه وقت باشد. و بالاخره بر عموم روشن شده بود که قدرت کرسی خلافت، به نفع خود کار می‌کند، نه به نفع مردم و جامعه اسلامی. در نتیجه این معنی مسلم شد که احکام و قوانین دینی قابل تغییر نیست و برای همیشه زنده است و اجتهاد در مقابل نص معنی ندارد.

عامه مردم صرفاً به خاطر ارادتی که به مقام صحابه داشتند و از راه تعبد به روایاتی که از مقام ایشان تمجید می‌کرد و اجتهاد آنها را تصدیق می‌نمود، از هرگونه اعتراض به خلفای آغازین خودداری می‌نمودند و با اینکه خلافت آنها به طور آشکار روی اساس نظریه سابق استوار بود و سیرت آنها به همین معنی گواهی می‌داد، مداخله و تصرفات آنها را در احکام و قوانین اسلامی، توجیه نموده، به محل‌های صحیحی حمل می‌کردند. همچنین گاهی انصاف داده، به بحثهای آزاد می‌پرداختند و به معنویات اسلام نیز منتقل می‌شدند.

ظهور روش معنوی و سیر و سلوک

نفوذ و سرایت تعلیمات معنوی اهل بیت علیهم السلام که در رأس آنها بیانات علمی و تربیت عملی پیشوای اول شیعه، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) قرار گرفته بود، با مساعدتی که گرفتاری‌های عمومی طبعاً نسبت به این مقصد داشت، به علاوه اینکه پیوسته جمعی از مردان خدا که تربیت‌یافتگان این مکتب بودند و در حال تقید و سترت زندگی می‌کردند، در میان مردم بودند و در موارد مناسب، از حق و حقیقت گوشه‌هایی می‌زدند، مجموعه این عوامل موجب شد که عده‌ای در قرن دوم هجری از همان اکثریت، به مجاهدت‌های باطنی و تصفیه نفس تمایل پیدا کردند. این عده در خط سیر و سلوک افتادند و جمعی دیگر از عامه مردم، به ارادت آنها برخاستند و با اینکه در همان اوایل ظهور، تا مدتی مبتلا به کشمکش‌های شدید بودند و در این راه هرگونه فشار از قبیل قتل و حبس و شکنجه و تبعید را متحمل می‌شدند، ولی بالاخره از مقاومت دست برنداشته، پس از دو سه قرن، در تمام بلاد اسلامی ریشه دوانیده و جمعیت‌های انبوهی را به وجود آوردند.

یکی از بهترین شواهدی که دلالت دارد بر اینکه ظهور این طایفه، از تعلیم و تربیت ائمه شیعه سرچشمه می‌گیرد، این است که همه این طوایف (که در حدود بیست و پنج سلسله کلی می‌باشند و هر سلسله منشعب به سلسله‌های فرعی متعدد دیگری است)، به استثنای یک طایفه، سلسله طریقت و ارشاد خود را به پیشوای اول شیعه، منتسب می‌سازند. دلیلی ندارد که ما این نسبت را تکذیب نموده و به واسطه مفاسد و معایبی که در میان این طوایف شیوع پیدا کرده، اصل نسبت و استناد را انکار کنیم یا حمل بر دکان‌داری نماییم؛ زیرا اولاً سرایت فساد و شیوع آن در میان طایفه‌ای از طوایف مذهبی، دلیل بطلان اصل انتساب آنها نیست و اگر بنا شود که شیوع فساد در میان طایفه‌ای، دلیل بطلان اصول اولی آنان باشد، باید خط بطلان به دور همه مذاهب و ادیان کشید و همه طبقات گوناگون مذهبی را محکوم به بطلان نمود و حمل به دکان‌داری و عوام‌فریبی کرد!

ثانیاً پیدایش اولی این سلسله‌ها در میان اکثریت سنی شروع شده و قرن‌های متوالی در همان محیط

[در نتیجه] وضع اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان، معارف اعتقادی و عملی اسلام روز به روز رو به سقوط می‌رفت و طرق درک و پیشرفت این حقایق، یعنی طریق بحث آزاد و طریق سیر معنوی، رهسپار وادی فراموشی می‌شد؛ اما اقلیت شیعه که از همان روزهای نخستین به مخالفت با رویه اکثریت قد علم کرده بودند، چون نیروی کافی برای درهم شکستن وضع موجود نداشتند و اعاده وضع عمومی زمان رسول اکرم (ص) برایشان ممکن به نظر نمی‌رسید، ناگزیر از مقاومت کلی و مثبت دست برداشته، از راه دیگر دست به کار شدند و آن اینکه کوشیدند تا می‌توانند معارف اعتقادی و عملی اسلام را حفظ و ضبط نمایند و راههای مشروع آن را که همان راه بحث آزاد و سیر معنوی باشد، زنده نگه دارند.

شیعیان طبق وصیتی که به موجب آن، رسول اکرم (ص) اهل بیت کرام خود را حافظ و مبین معارف اسلامی و پیشوای معنوی مسلمین معرفی کرده بودند، به ائمه اهل بیت روی آوردند و با نهایت ترس و لرزی که داشتند، از هر راه ممکن به تحصیل و ضبط معارف دینی پرداختند. امام اول شیعه در بیست و پنج سال دوران گوشه‌گیری و پنج سال زمان خلافت پر محنت خود، با لهجه جذاب و بلاغت خارق‌العاده‌اش که با تصدیق دوست و دشمن، غیر قابل معارضه و بی‌رقیب بود، به نشر معارف و احکام اسلام پرداخت و درهای بهترین بحثها را به روی مردم باز نمود و عده‌ای از مردان خدا را از صحابه و تابعین، مانند سلمان و کمیل نخعی و اویس قرنی و زُشید هَجَری و میثم کوفی و غیر آنها پرورش داد و البته نمی‌توان گفت که اینان با روش معنوی که داشتند و ذخایر معارف علومی که حمل کردند، در جامعه اسلامی هیچ‌گونه تأثیری نداشتند.

پس از شهادت پیشوای نخستین شیعه، دوران سلطنت اموی با قیافه هولناک و مستبدانه خود، شروع شد و معاویه و عمالش و پس از آن سایر پادشاهان اموی، با آخرین نیروی خود، علیه شیعه به مبارزه پرداختند و هر جا فردی از شیعه را سراغ می‌گرفتند، حتی کسانی را که به تشیع متهم می‌شدند، از میان می‌بردند و هر رگ و ریشه‌ای که داشت، می‌زدند و روزبه‌روز کار وخیم‌تر و فشار شدیدتر می‌شد.

با این همه در این مدت، پیشوای دوم و سوم و چهارم شیعه در زنده کردن و زنده نگه داشتن حق، فرو گذار نمی‌کردند و در چنین محیطی که پر از شدت و محنت بود، در زیر سایبان شمشیر و تازیانه و زنجیر، کار می‌کردند و حقیقت تشیع روز به روز وسعت پیدا کرده، روح حق توسعه می‌یافت.

بهترین گواه بر این مطلب، این است که بلافاصله پس از این دوره، در زمان پیشوای پنجم و ششم شیعه که سلطنت اموی ضعیف شده و رو به انهدام نهاد و هنوز سلطنت عباسی نضج نگرفته بود، در زمان بسیار کمی، دستی که گلوی شیعه را فشار می‌داد، قدری سست شد و شیعیان راه نفسی پیدا کردند، رجال و علما و محدثان، مانند سیل خروشان به سوی این دو پیشوای بزرگوار سرازیر شدند و به اخذ علوم معارف اسلامی پرداختند. این جمعیت عظیم، غیرشیعی نبودند که اول به دست امام، شیعه شده باشند و بعد از آن به تعلیم علوم و معارف پردازند، بلکه شیعیانی بودند که در پس پرده اختفا و تقید، زندگی می‌کردند و با کوچکترین فرصتی، پرده را کنار زده و بیرون آمدند.

البته این روح توسعه یافته، در کالبد اکثریت جامعه، خالی از نفوذ نبود و در آئینه افهام آنها حق و حقیقت را کم و بیش جلوه می‌داد و نیازمندی فطرت انسانی را به دین فطری و بحث آزاد و احتیاج انسان متدین با ذوق و محبت را به سیر معنوی، به گوش هوش همگانی می‌رسانید. از سوی دیگر اوضاع

مصلح اجتماعی حوزه های علمیه

جلیل القدر بیندازیم.

دوران کودکی و جوانی مرحوم قشقایی مصادف با بحران های سیاسی و فرهنگی قابل تأملی است که هر یک به تنهایی تا مدت ها جامعه ایران را تحت تأثیر شگرف و جدی خود قرار داده اند. در صدر این وقایع می توان از انعقاد قرارداد ترکمنچای که منجر به از دست رفتن بخش های مهم از سرزمین ایران شد یاد کرد. عواقب این واقعه نه تنها ساختار اجتماعی جامعه آن روز ایران را به شدت متأثر کرد، بلکه پیامدهایی سیاسی نیز در پی داشت که مهم ترین آن بروز چالش و طرح سؤالاتی در زمینه کارآمدی سلطنت بود.

طی سال های ۱۲۵۳ تا ۱۲۶۳ دو فتنه بزرگ فرهنگی ایران را مورد هجوم قرار می دهد. از یک سو فتنه باطنیه آقاخان و از سوی دیگر فتنه محمدعلی باب که خصوصاً مورد اخیر هنجارهای دینی و فرهنگی جامعه را تا ده ها سال به صورت جدی تهدید کرد. این در حالی است که در اواخر دوره نوجوانی این حکیم فرزانه با قتل مصلح بزرگ اجتماعی ایران یعنی امیرکبیر رو به رو می شویم.

اگر بپذیریم مقطع زمانی ورود مرحوم حکیم قشقایی به حوزه علم آموزی و حکمت اندوزی سال ۱۲۸۳ هـ. - ق است، در خواهیم یافت که در طی این دوران که بخش قابل توجهی از آن در پایتخت و در متن تحولات سیاسی می گذرد، حکیم با دوره ای رو به رو است که می توان آن را دوره اعطای امتیازات متعدد به بیگانگان و در واقع فروش ایران جهت اموری چون سفرهای ناصرالدین شاه به فرنگ دانست.

واگذاری امتیازاتی نظیر شیلات به لیانازوف روسی و امتیاز ننگین رویتز مثال هایی ملموس برای درک این دوران تاریخی به شمار می روند. این در حالی است که پس از این دوره ۱۰ ساله روند اعطای امتیازات حالتی شتابنده به خود می گیرد و گستره وسیع تری را شامل می شود. در عین حال به دنبال این اوضاع که کارکردها و ساختارهای اقتصادی، سیاسی و دینی جامعه آن روز را به شدت متأثر می سازد شاهد دوره ای جدید هستیم که می توان از آن به دوره اعتراضات و قیام های مردمی به رهبری علما تعبیر کرد. قیام مردم علیه امتیاز رویتز به رهبری حضرات آیات عظام حاج ملاعلی کنی و سید صالح عرب از یک سو و قیام های مردمی شهرهای تبریز، اصفهان و مشهد در اعتراض به قرارداد ننگین رژیم

یک دهان خواهیم به پهنای فلک
تا بگویم وصف آن رشک ملک
یک زمان بگذاری همراه ملال
تا بگویم شرح حالی زان جمال
من کجا در وصف آرم حال او
هر دو عالم چیست؟ عکس خال او
تا که من از خال خویش دم زنم
نطق می خواهد که بشکافد تنم
کنکاشی اجمالی در سیره عالمان جلیل القدر و عارفان و حکیمان بزرگ مسلمان، پژوهندگان را با این نکته دقیق مواجه می سازد که به غیر از مجاهدت علمی، تلاش چشمگیر و جدیت وافر در امر تحصیل علوم و کسب معارف، عاملی معنوی در نیل این بزرگان به سر منزل لطائف حکمی، دقایق فقهی و معارف الهی نقشی اساسی داشته است. بسیاری از فرزندان اهتمام به تهجد، عبادت و انس با قرآن کریم را رمز توفیقات خود بر شمرده اند. در واقع اهتمام به این امور حکمایی فرزانه و فیلسوفانی عالی مقام چونان جناب صدرالمآلهین شیرازی و میرداماد، فقها و اصولیین برجسته ای نظیر مرحوم آخوند خراسانی، عارفانی واصل همچون مرحوم میرزا جواد ملکی تبریزی و امام خمینی (ره) و مفسرین گرانفردی مانند علامه طباطبایی را به قله های علم رهنمون کرده است. با این حال عامل معنوی دیگری که سرنوشت بسیاری از عارفان، حکیمان و عالمان را رقم زده و آنان را به سرچشمه معارف دینی وصل کرده، پذیرش امر به معروف و نهی از منکر است. بزرگانی چون فضیل عیاض و ابراهیم ادهم مرهون این امر هستند و در عین حال سلسله عارفان جلیل القدری که به مرحوم عارف کامل جمال العارفین حضرت آیت الله سید علی شوشتری (فد) می رسند، نیز همگی وامدار این امر هستند.

در این بین می توان به عارف واصل، فقیه گرانقدر و حکیم نام آور حجت الحق حضرت آیت الله جهانگیر خان قشقایی به عنوان یکی از بزرگانی که حیات علمی و معنوی خود را رهین پذیرش فریضه گرانقدر امر به معروف و نهی از منکر قرار داده است، اشاره کرد.

در واقع نقطه تحول اساسی جناب خان را می توان مربوط به زمانی دانست که در نهایت تواضع و اشتیاق پذیرای نصیحت پیری روشن ضمیر (به نقل معروف همای شیرازی) می شود و بارها کردن تار و موسیقی به اقیانوس معارف دینی می پیوندد.

نگاهی اجمالی به اوضاع و احوال اجتماعی دوران حیات این حکیم فرزانه نشان از اوضاع اجتماعی، سیاسی و فرهنگی متزلزلی دارد که هم از حیث ساختاری و هم از جهات کارکردی با اختلالات و نابسامانی های عدیده ای روبه رو است.

مرحوم حکیم جهانگیر خان قشقایی در دوره شش پادشاه سلسله قاجاریه، یکی از پرفراز و نشیب ترین دوره های تاریخی ایران را درک می کند و طی این دوران اجتماعی که از ساختارهای بسیار شکننده مختص دوره های گذار و عدم تثبیت برخوردار است، در قالب مصلحی دلسوز از یکسو با گسترش خردورزی، تفکر و نوآوری در حوزه اندیشه دینی، امر اصلاح اجتماعی را پی می گیرد و از سوی دیگر با تربیت شاگردانی برجسته که بسیاری از آنان به عنوان مصلحان بزرگ اجتماعی در حوزه نظر و عمل شهرت فراوانی دارند بنای اصلاح نابسامانی های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دوره خویش و دوره های بعدی را پایه گذاری می کند. برای روشن تر شدن هرچه بیشتر این امر ضروری است نیم نگاهی به اوضاع و احوال و ساختارهای آن روز جامعه ایران در طول حیات پربرتک این حکیم نام آور و فقیه

در سال ۱۳۰۹ به رهبری میرزای شیرازی شرایطی را فراهم می سازد تا انقلاب مشروطه به عنوان یکی از تحولات بسیار مهم جامعه ایران رقم بخورد. در واقع دوران پیش از شروع به تحصیل و تدریس جناب حکیم قشقایی را می توان مصادف با تهاجم های گسترده به تمامیت ارضی و ارکان فرهنگی و دینی مردم دانست. دوره دوم زندگی آن بزرگوار با واگذاری امتیازات گوناگون استعماری همراه است و دوره سوم زندگی آن جناب را می توان همزمان با تغییرات عمیق و خیزش های دینی مصادف دانست.

نکته بسیار مهم آن است که در کنار این تحولات سیاسی و اجتماعی سریع که به تغییر زیرساخت های اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در آن دوره انجامید (و بسط و شرح آن در حوصله این متن نمی گنجد) تحولات فرهنگی جدیدی نیز نمودار شد.

این دوره های سه گانه را می توان دوران رشد و گسترش چشمگیر جریان شبه روشنفکری معارض با دین در جامعه دانست. نگاهی کوتاه به ادبیات روشنفکری بیمار آن دوره به خوبی مؤیداتی را بر این ادعا آشکار می کند.

از جمله این عناصر می توان به میرزا ملکم خان اشاره کرد. ملکم به تبعیت از پدرش برای دین منشأ اجتماعی و نه الهی قائل است؛ و دین را تنها به عنوان یکی از عوامل ساخته دست بشر برای رفع نیازهای اجتماعی می داند. بازتاب این طرز تفکر را می توان در کتبی نظیر شب های استانبول مشاهده کرد. حامد الگار درباره دیگر روشنفکرانم ای این دوره یعنی آخوندزاده می نویسد:

به نظر آخوندزاده موهوم پرستی و خرافات با مذهب یکسان و پیوسته است و خط مشی زندگی او با خصومت به دین اسلام آشکارتر و روشن تر از آنچه ملکم بدان تظاهر می کرد، است.

جریان شبه روشنفکری به شدت غرب زده این دوره با سه حربه: (۱) تحقیر مردم ایران و مسلمانان در کنار تمجید و تقدیس غرب و غربیان. (۲) طرح شعار عقلگرایی، قانون، منطق، آزادی و اندیشه و در نهایت تحریف دین و ارائه با حربه اخیر می نویسد: پس نقشه ترقی ایران را در لباسی از مذهب پوشانندیم تا مقبول همگان افتد. وی همچنین می گوید: بهتر آن است که منظور و مقصود خود را به عنوان سخن و کلام غیر دینی مطرح نکنیم و مدعی شویم که این

کتاب حاکمان شیعه در بستر تاریخ منتشر شد

کتاب حاکمان شیعه در بستر تاریخ به قلم گروهی از نویسندگان از سوی انتشارات باقر العلوم (ع) منتشر شد.

این کتاب با موضوع حکومت مختار ثقفی، علویان طبرستان، حمدانیان، آل بویه، سربداران، صفویان و تیپوسلطان به رشته تحریر در آمده است. اندیشه سیاسی شیعی در میدان حکومت چگونه آزمون پس داده است؟ آیا اساساً در طول تاریخ، حاکمیت به شیعیان واقعی و نایبان راستین امامان معصوم علیهم السلام رسیده است؟ آیا تاریخ، روزی را به یاد دارد که شیوه و اندیشه و عقیده شیعی حکمران باشد؟ در صورتی که چنین بوده، آیا آن ها توانسته اند این بار مسؤولیت را به سلامت به سر منزل برسانند یا در طول راه لغزیده و از جاده حق بیرون افتاده اند؟

پس از دوران حکومت امیرمؤمنان علیه السلام و فرزندش، امام حسن مجتبی علیه السلام اندیشه ناب شیعی هرگز بر مسند ننشسته و حکم نرانده است، اما بوده اند پیروان یا داعیه دارانی که از

مطالب سابقاً در صدر اسلام توسط پیامبر اکرم و قرآن کریم گفته شده بود.

ملکم همچنین در نامه ای به آخوندزاده می نویسد: تو به دین کاری نداشته باش و گر نه به مقصودت نمی رسی. چرا به دین ایشان می چسبی. تو دین ایشان را کنار بگذار و درباره بطلان آن حرفی زن.

در واقع جریان شبه روشنفکری در این دوره با مکر و حیله در قالب اندیشه ورزی و عقل گرایی به تحریف دین پرداخته و در لباس مصلحی دلسوز در جبهه ای گسترده به تهاجم علیه اعتقادات اسلامی می پردازد. در واقع حکیم قشقایی از یک سو با جریان حاکمان وطن فروشی رو به رو است که درد دین ندارند و به دنبال تشفی امیال خود ولو به قیمت استعمار ایران و نابودی اسلام هستند و اساساً ساختار سیاسی ناکارآمدی را حاکم بر مسلمین می بیند و از سوی دیگر خطر هجوم منافقانه شبه روشنفکرانی را که کمر همت به هدم و نابودی دین بسته اند حس و لمس می کند.

وی در قالب مصلحی واقعی با دو شیوه، مبارزه ای فراگیر را در برابر این دو جبهه در پیش می گیرد و به عنوان یکی از فرماندهان جبهه اسلام به پاسداری از دین می پردازد. در نخستین محور می توان به نقش بارز مرحوم جهانگیر خان قشقایی در امر تربیت شاگردانی اشاره کرد که هر یک به نوبه خود در برابر انحرافات قد علم کردند و ضمن ورود به عرصه سیاست مرحله آغازین اجرایی حکومت اسلامی و فقه سیاسی شیعه را پدید آوردند.

از جمله این شاگردان می توان به جناب میرزا محمد باقر اصطهبانی، استاد مرحوم آقا شیخ محمد اصفهانی اشاره کرد که در وقایع مشروطیت به شهادت می رسد.

در عین حال حکیم آقامیرزا محمد ظاهر تنکابنی نیز از دیگر شاگردان جناب جهانگیر خان قشقایی محسوب می شود که علاوه بر پذیرش نمایندگی علمای تهران در دو دوره مجلس شورای ملی به واسطه مبارزات چشمگیرش ۱۸ سال از عمر خود را در تبعید و زندان سپری کرد. شهید سید حسن مدرس نیز که آوازه مخالفت با استبداد و ظلم ستیزی او برای همگان آشناست، از شاگردان جناب قشقایی به شمار می رود. این در حالی است که منش سیاسی مرحوم آیت الله بروجرودی در برابر حکومت پهلوی نیز جلوه ای از این حوزه تدریس به شمار می رود و در عین حال می توان تربیت بزرگانی چون مرحوم آیت الله شاه آبادی و امام راحل (ره) را نیز در این راستا ارزیابی کرد.

در واقع یک جلوه از حرکت مصلحانه حکیم قشقایی مربوط به تربیت شاگردانی است که هر یک به تنهایی در برابر اوضاع و احوال نابسامان اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران قد علم کردند و به عنوان مصلحانی بزرگ به اصلاح انحرافات و رفع و دفع شبهات پرداختند و در عین حال به مرور، ربانی نظری فقه سیاسی شیعه را که تا آن زمان حتی در کتاب ها نیز با مشکل یافت می شد در عرصه عمل پیاده و طرح حکومت اسلامی را پایه ریزی کردند.

دومین حرکت اصلاح گرانه مرحوم جهانگیر خان قشقایی متوجه حوزه نظری است. بی مناسبت نیست به عنوان درآمد این بحث موضع حوزه های علمی آن دوران را در برابر جریان خردورزی، حکمت و فلسفه مورد توجه قرار دهیم اگر بپذیریم در حوزه اصفهان و مکتب تهران آن روز تنها افراد بسیار معدودی به تحصیل و تدریس فلسفه، حکمت و اساساً علوم عقلی مشغول بودند، در می یابیم که جریان خردورزی در آن زمان با چالشی جدی رو به رو بود.

گزارشی از مراسم اولین سالگرد ارتحال علامه فضل الله در بیروت



بسم الله الرحمن الرحيم
الذین یبلغون رسالات الله یخشونه ولا یخشون أحد الا الله وكفی بالله حساباً
مراسم اولین سالگرد ارتحال علامه سید محمد حسین فضل الله، در تیرماه ۱۳۹۰ در پایتخت لبنان، بیروت، مسجد و مؤسسه خیریه الرحمان برگزار شد. بنا به دعوت ستاد برگزاری سالگرد علامه فضل الله حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای موسوی، قائم مقام مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و جناب آقای دکتر تبرائیان معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع تقریب در این مراسم حضور یافتند.

در این مراسم آقای نبیه بری، رئیس مجلس لبنان، چند تن از وزراء، برخی از نخست وزیران سابق، شماری از نمایندگان مجلس و فرماندهان نظامی، علمای طوایف مختلف و مقامات، اندیشمندان، شخصیت های سیاسی، دینی و اجتماعی از دیگر کشورهای اسلامی حضور داشتند. حجت الاسلام سید علی فضل الله خطیب جمعه بیروت و فرزند این مرجع تقلید فقید در ابتدای این مراسم بیان داشت: ایشان پدر همه ما بود. او از بین ما رفت در حالی که توشه ای علمی، میراثی معنوی تمام ناشدنی، و موجی از عاطفه و مهربانی برای ما بر جای گذاشته است. علی رغم رحلت علامه فضل الله، ما حضور او را در بین خودمان احساس می کنیم. ایشان یک روش فکری را پایه ریزی کرد و دائماً می گفت که همه ما هم باید فکر کنیم که چگونه مقاومت و ایستادگی کنیم. اینک نیز ما در راستای تقویت ارزش های اخلاقی و برطرف کردن مشکلات بشری حاضرم در گفت و گوهای بین مسیحی ها و مسلمانان همکاری و مشارکت داشته باشیم و وحدت ملی را نیز حفظ و تقویت کنیم.

وی بر لزوم تمسک به مقاومت تأکید کرد و افزود: همگان باید به عناصر مقاومت فکری و اخلاقی تمسک جویند و از مقاومت مجاهدانه در برابر رژیم اشغالگر صهیونیستی حمایت کنند. وی به عقل گرایی علامه فقید هم اشاره کرد و گفت: آن مرحوم جمله ای معروف داشت و می گفت: اندیشه خود را فدای احساساتان نکنید؛ و به خاطر احساسات، فکرتان را کنار نزنید؛ زیرا عقل شما مهم ترین سرمایه شماست. علامه فضل الله می گفت ما در مقابل استکبار هیچ گونه تسامحی نمی کنیم، هرگز از فلسطین روی بر نمی گردانیم و بلکه در کنار رزمندگان فلسطینی هستیم. لذا ما هم با همین رویکرد به راهمان ادامه می دهیم و برای ساختن یک پایگاه قدرتمند همه جانبه به مسیرمان ادامه می دهیم و به همین خاطر تمام نیرو و عناصر مقاومت اعم از عنصر اخلاقی و عنصر فکری را در کنار عنصر جهادی در مقابله با دشمنی که جز زور چیز دیگری نمی فهمد به کار می گیریم.

شیخ مالک الشعار مفتی طرابلس و شمال لبنان نیز در سخنانی با اشاره به نقش تاریخی علامه فضل الله در وحدت اسلامی، خاطر نشان کرد که در سه دهه اخیر امام فقیه علامه فضل الله میراث گرانبهایی در ابداع فقه

و فتوی بر اساس زمان حاضر ارائه داد و اجتهادات ایشان در توسعه زندگی انسانی تأثیر شگرفی داشت. آسامه حمدان دیگر سخنران این مراسم که به نمایندگی از "خالد مشعل" رئیس دفتر سیاسی حماس سخن می راند، به ابعاد شخصیتی علامه پرداخت و خاطر نشان کرد: وی در عین بزرگواری بسیار متواضع و وحدت اسلامی اولویت اساسی نزد علامه فضل الله بود که تنها جنبه شعاری نداشت بلکه در زندگانی خویش به کار می بست.

دکتر محمد حسن تبرائیان معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع تقریب نیز که به نمایندگی از آیت الله تسخیری دبیر کل مجمع برای ارائه بیانیه مجمع و ایراد سخنرانی بدین مناسبت حضور یافته بود، در سخنانی تصریح نمود: مرد علم و جهاد و سید منبر و محراب و پیشگام بیداری و تقریب، معلم فقه و تفسیر و فتح کننده افق های معرفت و گفتگو، در راستای محبت رسول خدا و اهل بیتش گام نهاد و امروز شاهد محقق شدن آرزوهای دیرینه او در زمینه بیداری اسلامی هستیم.

وی افزود: در اولین سالگرد رحلت ایشان، این شخصیت بزرگوار را گرمی می داریم و تأکید می کنیم یاد او از ذهنمان و از آسمان فکر و فقاقت و انقلاب پاک نخواهد شد. علامه

فضل الله زندگی خود را با اخلاص برای برافراشتن کلمه حق و در راستای تحقق وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی وقف کرد. علی الادیب نیز که به نمایندگی از "نوری مالکی" نخست وزیر عراق سخنان وی را ایراد کرد، بیان داشت: سید فضل الله به حق مرجع دینی روشنفکر، رهبری مردمی، اندیشمندی مبدع و سیاستمداری استاد بود که به خوبی شرایط را درک می کرد و در رفع ضرر و زیان از امت اسلامی تلاش کرد.

وی افزود: علامه فضل الله چهره ای حقیقی از اسلام ارائه داد و بر دوری از عقب ماندگی، افراطی گری، غلو و تعصب تأکید کرد.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ نعیم قاسم قائم مقام دبیر کل حزب الله لبنان نیز در سخنانی اظهار داشت: یک سال از عروج روح شامخ سید و پدر و استادمان به ملکوت اعلی می گذرد اما همچنان صدای حق جوی وی و تفکر و جرأت ایشان در رویارویی با ظالمان شنیده می شود. علامه فضل الله همیشه از حامیان و تأیید کنندگان مقاومت و استمرار آن برای آزادی سرزمین های اشغالی و ناکام کردن طرح های رژیم صهیونیستی بود؛ چنان که همیشه می گفت: هیچ وقت آرام نخواهم شد مگر اینکه اسرائیل نابود شود.

وی همیشه بر وحدت اسلامی تأکید داشت و آن را عاملی برای شکست توطئه ها و فتنه های دشمنان و رهایی از چالش ها می دانست.

در مراسم سالگرد ارتحال آیت الله علامه سید محمد حسین فضل الله بیانیه مجمع تقریب توسط معاون بین الملل و دبیر هیئت علمی مجمع تقریب دکتر تبرائیان قرائت شد.

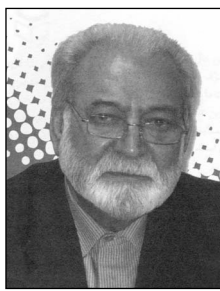
بیانیه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به مناسبت سالگرد ارتحال علامه مجاهد مرجع تقلید آیت الله سید محمد حسین فضل الله (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم
سلام و درود بر پیامبر اکرم محمد امین (ص) و دودمان پاک و یاران صدیق او باد. یک سال ملامت از غم و اندوه از ارتحال مرد علم و جهاد و سید منبر و محراب و پیشتاز بیداری و تقریب و آموزگار فقه و تقریب و فاتح آفاق معرفت و گفتنمان و بزرگ مرد شعر و ادب گذشت و ما به یاد آن امام تجدیدگر و روح عاشق در فناء فی الله و عشق به رسول اکرم و

اهل بیت او علیهم الصلاه والسلام اجمعین بوده و چشم به راه فرار رسیدن آن روزی هستیم که در آن شاهد تحقق آرزوهای بزرگ آن بزرگوار در گسترش بیداری اسلامی و چیره شدن انقلاب اسلامی بر کلیه موانع موجود بر سر راه آن که مانع از رسیدن صدای مبارک آن به سرتاسر جهان اسلام بلکه به سرتاسر گیتی شده اند باشیم ولی سرانجام خداوند منان نور خود را به اتمام خواهد رساند و این نور از کلیه موانع خواهد گذشت و از همه غارهای ظلمت و نفاق بیرون خواهد آمد و بر ملت ها با امیدی سرشار از زندگی خواهد تابید و نوید بخش حاکمیت قرآن و اسلام و حرکت به سوی جامعه ای برخوردار از امنیت جهانی که خدای را بندگان نماید و هیچ شریکی برای او قائل نشود باشیم. چنانچه آن عالم بزرگوار آخرین دم های زندگی خود را با ذکر و تسبیح خداوند سپری کرد و به اصول امام خمینی (ره) که همان اصول اسلام است سپری نمود و از خداوند متعال آرزوی پیروزی امام خامنه ای دام ظلّه در رهبری انقلاب و رساندن پیام مقدس آن به امت اسلامی می نمود، ما امروز شاهد خیزش ملت های عرب و مسلمانیم که با بیداری، وفاداری خود را به انقلاب اسلامی اعلام داشته و خیزش خود را علیه خودکامگان مزدور و منافقانی که مانع از بالا رفتن صدای حق و حاکمیت اسلامی می باشند آغاز نموده و ببرهای کاغذی حاکم بر آنها یکی پس از دیگری سرنگون می شود و نیروهای ضد استکبار و ضد صهیونیسم جهانی آنها با هم متحد می شوند و برغم توطئه ها و اتهامات و افتراءات ناحق که علیه وی از سوی کسانی که چنین توقعی از آنها نمی رفت، آرزوی بزرگ علامه فقیه رضوان الله تعالی علیه که در راه آن جهاد کرد تحقق می یابد.

ما در این یادمان نخستین سالگرد ارتحال این شخصیت بزرگ را تعظیم می نمایم و اعلام می داریم که اندیشه بارور هرگز نمیرد که عطر دل انگیز آن به جان ها بگیرد. خداوند او را بیامزد و جایگاه او را در بهشت علین با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور نماید و به بازماندگان او صبر و شکیبایی عنایت نماید و فرزندان آن مرحوم و به ویژه علامه سید علی فضل الله را پر کننده این نلمه قرار دهد و حامل این پرچم باشد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته
تهیه و تنظیم: طاهره هوشنگی



دکتر محمدحسن تبرائیان

عضو ارشد جمعیت ملی تغییر مصر:

تقریب شیعه و سنی برای وحدت امت

اسلامی ضروری است

احمد قنایوی در گفت و گو با تقریب، تأکید کرد: شیعه خطری برای مصر محسوب نمی شود زیرا این مذهب نیز یکی از مذاهب اسلامی همچون اهل سنت است و تقریب میان این دو مذهب برای به وجود آمدن وحدت اسلامی و مقابله با کشورهای استکباری (آمریکا و ... رژیم صهیونیستی) ضروری است.

وی افزود: باید بدانیم که تقریب میان شیعه و سنی از دهه شصت قرن گذشته به ویژه در زمان شیخ شلتوت که شیخ الازهر بوده، وجود داشته است. قنایوی در خصوص روابط ایران و مصر گفت: قطع روابط مصر با ایران اشتباه سیاسی مصر از زمان سادات تا نظام مبارک بود و این مسئله تنها در جهت منافع آمریکا و اسرائیل بود.

وی با اشاره به اینکه قطع روابط مصر با ایران به نفع مصر نبوده است، تأکید کرد: در مورد دلایل عدم برقراری روابط میان دو کشور پس از انقلاب، علامت سوال وجود دارد و تعجب برانگیز است که میان ما و اسرائیل روابط قوی و محکمی وجود داشته باشد، با اینکه دشمن ماست، اما میان ما و ایران که یک کشور اسلامی است هیچگونه روابطی وجود نداشته باشد. وی افزود: اگر اوضاع در داخل مصر بسامان شود، خواهد توانست در مقابل اسرائیل ایستادگی کند، اما دولت مصر به رغم اینکه عربستان سعودی رفتار اهانت آمیزی با مردم مصر دارد، به خواسته های عربستان سعودی و آمریکا علیه ایران پاسخ مثبت می دهد.

این موضع از زمان عبدالناصر بوده و موضع جدیدی نیست و دولت عربستان را تبدیل به دولتی کرده است که از مراسم دینی حج و عمره برای اهانت به مردم مصر سوء استفاده می کند. قنایوی اظهار داشت: اندیشه سلفی یکی از مظاهر اندیشه سعودی در مصر است و برافراشتن پرچم مصر در میدان تحریر نیز تصادفی نبوده است. وی در خصوص محاکمه حسنی مبارک، رئیس جمهور سابق مصر گفت: مبارک در این محاکمه اجزای خود را می بیند. این محاکمه هادل ما را آرام می کند و در راه صحیحی در حال حرکت است.

وی در زمینه حوادث بحرین هم خاطر نشان کرد: غرب چشم خود را به روی حوادث بحرین که توسط عربستان سعودی به وجود آمده، بسته است و یک خاموشی رسانه ای در مورد حوادث بحرین به ویژه از سوی شبکه های الجزیره و العربیه ایجاد شده است، چرا که این شبکه ها از انتشار انقلاب هایی این چنینی در کشورهای خلیج فارس هراس دارند، هرچند که این رخداد در آینده ای نزدیک به ناچار اتفاق می افتد.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان:

رویت ماه و حکم حاکم شرع از مشترکات شیعه و سنی

در استهلال ماه است

اتمام ۳۰ روز کامل از جمله مشترکات و مستندات است که مذاهب مختلف اسلامی در بحث اعلام عید به آن اقتدا می کنند و هرگونه شبهه در این خصوص و توجه به پیش بینی های منجمان و تقویم های نوشتاری سالانه اعتباری ندارد.

نماینده ولی فقیه در استان کردستان اظهار داشت: باید مسلمانان روزه دار جایی که زندگی می کنند ماه را ببینند و در صورتی می توانند از اعلام استهلال ماه در منطقه ای پیروی کنند که هم وفق باشند و هنگام غروب خورشید در افق مشترکشان ماه را رویت کرده باشند.

حجت الاسلام حسینی شاهرودی تصریح کرد: مبنایی که عربستان برای رویت هلال ماه در نظر می گیرد بر اساس رویت ماه نبوده و توجه به پیش بینی منجمان و اعلام چندروز قبل از رویت در بین مذهب شافعی و تشیع جایگاهی ندارد.

به گزارش خبرنگار تقریب از سنندج، حجت الاسلام سید محمد حسینی شاهرودی در شورای فرهنگ عمومی استان در سنندج اظهار داشت: رضایت الهی در عمل به وظایف شرعی و دینی است و همه فعالیت های ما باید منطبق با احکام شرعی باشد. وی افزود: بحث عید از مهمترین مباحث بوده و حداقل بین واجب و حرام الهی است نمی توان به راحتی از آن عبور کرد.

حجت الاسلام حسینی شاهرودی تصریح کرد: در مبحث استهلال ماه نظرات مختلفی در بین مذهب تسنن و تشیع وجود داشته و حتی در داخل هرکدام از این مذاهب نیز فقها نظرات متفاوتی دارند اما به طور کلی سه نظر وجود دارد که در بین اهل تسنن و اهل تشیع مشترک است و اغلب فقها و علمای دینی از آن تبعیت می کنند.

وی افزود: رویت ماه، حکم حاکم شرع و

بزرگداشت استاد سیدعلی موسوی گرمارودی

در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی



مراسم بزرگداشت سیدعلی موسوی گرمارودی در ماه مبارک رمضان با حضور دکتر سیدمحمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، حمیدرضا شاه‌آبادی معاون فرهنگی وزیر ارشاد، بهاءالدین خرمشاهی پژوهشگر و مترجم قرآنی، کامران فانی، محمدرضا شریفی‌نیا، دکتر مهدی محقق رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی و محمدجواد ادبی رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در این انجمن برگزار شد.

دکتر سیدمحمد حسینی با اشاره به اینکه همه حاضران در این مراسم اهل فضل و ادب هستند و باید سخنان خود را از این رو با چند بیت از ملک‌الشعرای بهار آغاز کنم گفت: توفیقی است که در جلسه بزرگداشت یکی از چهره‌های ماندگار و شناخته شده‌ای چون علی موسوی گرمارودی فرصت حضور داشتم.

به گفته وزیر ارشاد، یکی از نکات شخصیت استاد گرمارودی این است که این شاعر نویسنده، مترجم قرآن کریم فردی تک‌بعدی نیست. وی در ادامه در این باره افزود: گرمارودی به هیچ عنوان تک‌بعدی نیست چرا که ما در عرصه شعر بزرگانی را داریم که فقط در رشته خود مشغول فعالیت هستند و به مسائل دیگر توجه چندانی ندارند، اما اگر توفیقی در زندگی پیش از انقلاب (از سال ۵۲) موسوی گرمارودی کنیم، مشاهده می‌کنیم که وی توسط ساواک بارها دستگیر شد و به زندان رفت که این مهم نشان از تعهد به جامعه دارد؛ زیرا پس از انقلاب نیز در حوادث گوناگون شعر موسوی گرمارودی پاسخگوی نیازها بود.

حسینی در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه اهل ذوق معمولاً کمتر در کارهای اجرایی ورود پیدا کرده و آن را برعهده می‌گیرند، بیان داشت: ایشان هر جا احساس مسئولیت می‌کنند حتی در کارهای اجرایی با رنگ و بوی فرهنگی وارد شده و آن را به بهترین شکل ارائه می‌کند چرا که وی سال‌ها ریزن فرهنگی ایران در تاجیکستان بود؛ گرمارودی در آنجا به ترویج خط و زبان فارسی همت گماشت و در ادای این رسالت موفق بود زیرا هنگامی که مردمانی از سرزمین تاجیک به ایران می‌آیند از زحمات گرمارودی یاد می‌کنند و باید به وی بگویم که عبدالله مآجور، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه سخنان خود با اشاره به دیگر خصوصیات موسوی گرمارودی افزود: موسوی گرمارودی غیر از شعر در حوزه‌های دیگر نیز ورود کرده که در آن نیز بسیار موفق بود. این حوزه، حوزه ارزشمند، ترجمه قرآن، صحیفه سجادیه و نهج البلاغه است.

حسینی با اشاره به اینکه اصولاً کار ترجمه بسیار سخت و دشوار است، خاطر نشان کرد: ترجمه، کار ساده‌ای نیست چه رسد به کلام وحی که انسان سخن خدا را با زبان شیوا باید برای همگان بنگارد، در این مسیر بسیاری افراد جرأت ورود به این وادی را ندارند زیرا این مهم دقت، وسواس و زمان فراوانی را می‌طلبد چرا که هم بحث امانتداری، زیبایی کلام و دلنشینی آن مهم است.

حجت‌الاسلام محمدجواد ادبی رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی در ابتدای این مراسم با اشاره به اینکه هنگامی که برای این برنامه به سراغ گرمارودی رفتیم وی از حضور در این مراسم امتناع کرد و دعوت ما را نپذیرفت، اما به وی گفتیم موقعیت و جایگاه شما ما را بر آن داشت تا در یکی از شب‌های رمضان المبارک و همزمان با لیالی مبارک قدر و در شب‌های نزول قرآن باید از تلاش‌ها و خدمات فرهنگی شما تجلیل کنیم.

به گفته ادبی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی به عنوان مهم‌ترین پایگاه

مفاخر فرهنگی مفتخر است در سلسله بزرگداشت‌های خود مراسم مختلفی را برای بزرگانی چون استاد سیدعلی موسوی گرمارودی برگزار می‌کند.

وی در مورد تلاش‌های فراوان فرهنگی گرمارودی خاطر نشان کرد: موسوی گرمارودی نه فقط در ترجمه بلکه در شعر و شعور انقلابی و شعر معاصر دارای پایگاه و جایگاه خاصی است. در ادامه این مراسم بهاءالدین خرمشاهی محقق، پژوهشگر و مترجم قرآن کریم در مورد ویژگی‌های اخلاقی و قلمی گرمارودی سخن گفت و افزود: محفل کنونی روحانی، علمی و ارزشمند است و برای بنده مایه مباهات، که چند کلامی درباره اخلاق، شعر و منقبت علمی سیدعلی موسوی گرمارودی سخن بگویم.

وی در ادامه ابراز داشت: البته باید چنین بزرگداشتی برای افرادی چون دکتر مهدی محقق نیز برگزار شود و امیدواریم با همکاری انجمن آثار و مفاخر فرهنگی شاهد باشیم که ماهی یک بار از این گونه بزرگداشت‌ها برپا باشند.

وی در مورد دوستی و مراودت بسیار با گرمارودی تصریح کرد: ۴۰ سال در محضر استاد گرمارودی بودم و باید دانست که وی از نخبگان شعر و شاعری و از مترجمان برجسته کشور ما است چرا که گرمارودی ترجمه قرآن را جدی گرفته و آن را خوش خوان، دقیق و سلیس ارائه کرد. وی در پایان سخنان خود در مورد آثار سیدعلی موسوی گرمارودی چنین گفت: ترجمه گرمارودی در صحیفه روزگاران خواهد ماند چرا که وی پس از ترجمه قرآن و صحیفه سجادیه این بار نهج البلاغه را در دست دارد که در تدوین آن به هیچ وجه عجله نمی‌کند.

خرمشاهی در این مراسم قصیده‌ای را برای سیدعلی موسوی گرمارودی خواند.

دکتر مهدی محقق رئیس انجمن ترویج زبان و ادب فارسی از دیگر سخنرانان این مراسم بود که درباره موسوی گرمارودی ابراز داشت: موسوی گرمارودی دارای ابعاد مختلفی است یگانه رهنمون و ذی‌فنون که در هر ره که وارد می‌شود، استادانه ره می‌پیماید.

محقق در وصف گرمارودی عنوان کرد: وی شاعر، نویسنده و مترجم گرانقدری است که اشعار وی گواه سخنان بنده است، زیرا دارای پند و اندرز و بیان ذکر بزرگی و بزرگواری خاندان پیغمبر است که البته خود موسوی گرمارودی نیز از سلاله پیغمبر است و از افرادی نیست که به قول ناصر خسرو شعر فروش باشد.

وی با اشاره به قرآن کریم خاطر نشان کرد: در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: «ما پیغمبر خود را شعر نیاموختیم و سزاوار او نیست که گمراهان دنبال شعرا می‌روند؛ باید بدانیم این شعرا بدآموز بوده‌اند شاعرانی که برخی از آن‌ها از بین برنده نظم بودند.

محقق با اشاره به نویسندگی موسوی گرمارودی افزود: در نویسندگی موسوی گرمارودی همین بس که مقالات فاخر وی در مجله گل چرخ چاپ می‌شد. وی در پایان سخنان خود ابراز داشت: آرزومند طول عمر برای موسوی گرمارودی هستیم.

کامران فانی عضو پیوسته زبان و ادبیات فارسی در این مراسم گفت: ما قدر استاد موسوی گرمارودی را نشناختیم، در این ۳۰ و اندی سال اخیر وی از استادانی بود که حضور پررنگ در عرصه فرهنگ داشت و دوستی بنده با ایشان به این حدود بازمی‌گردد.

عضو پیوسته زبان و ادب فارسی با اشاره به ترجمه‌های گوناگون از قرآن کریم ادامه داد: نزدیک به ۳۰ ترجمه پس از انقلاب اسلامی از قرآن منتشر شده اما ترجمه استاد موسوی گرمارودی به لحاظ دقت کم نظیر است.

استاد سیدعلی موسوی گرمارودی چهره ماندگار سال ۱۳۸۵ که این مراسم به پاس تلاش‌های فرهنگی وی در نظام جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، در این مراسم در جملاتی کوتاه گفت: افتخارم این است که در محضر علامه مهدی محقق چند درس سپری و طی کرده‌ام و سالیان متمادی شاگرد وی بودم و حضرت ایشان منت استادی را بر بنده داشت و خدا می‌داند افتخاری که بابت شاگردی ایشان با خود دارم تا زمان حیات بیشتر از هر افتخار دیگری است.

موسوی گرمارودی به احترام ایام عزیز و والایی که شرف یافته به همزمانی با شهادت مولی‌الموحدين دو بند از «سایه سار نخل ولایت» را خواند.

شاید این جمعه بیاید...

تو را غایب نامیده‌اند، چون "ظاهر" نیستی، نه اینکه "حاضر" نباشی.

"غیبت" به معنای "حاضر نبودن"، تهمت ناروایی است که به تو زده اند و آنان که بر این پندارند، فرق میان "ظهور" و "حضور" را نمی‌دانند، آمدنت که در انتظار آنیم به معنای "ظهور" است، نه "حضور" و دلشدگانت که هر صبح و شام تو را می‌خوانند، ظهورت را از خدا می‌طلبند نه حضورت را. وقتی ظاهر می‌شوی، همه انگشت حیرت به دندان می‌گزیند با تعجب می‌گویند که تو را پیش از این هم دیده‌اند. و راست می‌گویند، چرا که تو در میان مائی، زیرا امام مائی. جمعه که از راه می‌رسد، صاحب‌دلان "دل" از دست می‌دهند و قرار از کف می‌نهند و قافله دل‌های بی‌قرار روی به قبله می‌کنند و آمدنت را به انتظار می‌نشینند...

و اینک ای قبله هر قافله و ای "شبروان را مشعله" در آستانه آدینه‌ای دیگر با دلدادگان دیگری از خیل منتظرانت سرود انتظار را زمزمه می‌کنیم.

خبر آمد خبری در راه است سرخوش آن دل که از آن آگاه است

شاید این جمعه بیاید... شاید

پرده از چهره گشاید... شاید

دست افشان... پای کویان می‌روم

بر در سلطان خویان می‌روم

می‌روم بار دگر مستم کند

بی سروبی پا و بی دستم کند

می‌روم کز خویشتن بیرون شوم

در پی لیلای رخی معجون شوم

هر که نشناسد امام خویش را

بر که بسیاریا زمان خویش را

با همه لحن خوش آوایم

در به در کوچی ی تهایم

ای دو سه تا کوچه زما دورتر

نغمه‌ی تو از همه پرشورتر

کاش که این فاصله را کم کنی

محنت این قافله را کم کنی

کاش که همسایه‌ی ما می‌شدی

مایه‌ی آسایه‌ی ما می‌شدی

هر که به دیدار تو نایل شود

یک شبه حلال مسائل شود

دوش مرا حال خوشی دست داد

سینه‌ی ما را عطشی دست داد

نام تو بردم لبم آتش گرفت

شعله به دامان سیاوش گرفت

نام تو آرامه‌ی جان من است

نامه‌ی تو خط اوان من است

ای نگهت خاست گه آفتاب

در من ظلمت زده یک شب بتاب

پرده برانداز ز چشم ترم

تا بتوانم به رخت بنگرم

ای نفست یار و مدد کار ما

کی و کجا وعده‌ی دیدار ما

دل مستمندم ای جان به لب‌ت نیاز دارد

به هوای دیدن تو هوس حجاز دارد

به مکه آمدم ای عشق تا تو را بینم

تویی که نقطه‌ی عطفی به اوج آیینم

کدام گوشه‌ی مشعر

کدام کنج منا

به شوق وصل تو در انتظار بنشینم

ای زلیخا دست از دامان یوسف بازکش

تا صبا پیراهنش را سوی کنعان آورد

بیوسم خاک پاک جمکران را

تجلی خانه‌ی پیغمبران را

خبر آمد خبری در راه است

سرخوش آن دل که از آن آگاه است

شاید این جمعه بیاید... شاید

پرده از چهره گشاید... شاید

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی:

وهابیت پیامبر (ص) را هدف قرار داده است

هیچ گاه نمی خواهد آن را جایگزین توجه و ارتباط با خدا کند، بلکه اسلام می خواهد راهی را فراروی انسان ها قرار دهد. حجت الاسلام والمسلمین مبلغی تأکید کرد: وهابیت با عدم درک این منطق، به صورت احمقانه و جاهلانه گفته اند که توسل یعنی نهادن یک قطب در عرض خداوند و از بین بردن راه ارتباط با خدا؛ در صورتی که توسل و راه های تکمله ای و تکمیلی در کنار آن به عنوان تضمین می باشد. وی خاطر نشان کرد: وهابیت به بهانه توحید، کانون جلب توجه به توحید را از بین بردند و جنایتی بسیار تلخ را در تاریخ اسلام رقم زد.

رییس مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی در ادامه بیان داشت: اهل بیت (ع) حقیقتی مطرح و فعال در فضای اندیشه و تاریخ اسلام است که از صدر اسلام مورد توجه قرآن، رسول اکرم (ص) و مسلمانان بوده است.

اهل بیت (ع) اختصاص به تشیع ندارد

وی با بیان این که اهل بیت (ع) اختصاص به شیعه ندارد، گفت: اهل بیت (ع) در نزد مسلمانان دارای مراتبی هستند که بر این اساس در میان همه آنها دارای جایگاهی هستند و این جایگاه تنها نزد شیعیان نیست؛ اهل سنت نیز نسبت به جایگاه اهل بیت (ع) توجه دارند و درود بر آنان را به عنوان اصلی کلی پذیرا هستند. حجت الاسلام والمسلمین مبلغی افزود: اگر اختلافی میان شیعه و سنی درباره اهل بیت (ع) وجود دارد، در اصل نیست، بلکه اختلاف در زیاده و کمی مراتب آنها است. اهل سنت اعتقاد دارند که اهل بیت (ع) هم جزو صحابه پیامبر (ص) هستند و هم عنوان اهل بیت ایشان؛ از این رو اهل بیت (ع) زیادتی نسبت به صحابه دارند.

وی خاطر نشان ساخت: هنر وهابیت تضعیف کارکردهای نهاد های اسلام و آموزه های قرآن و اسلامی است و در این راستا نسبت به اهل بیت (ع) و اماکن مربوط به آنها نیز همین کار را کردند.

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی ادامه داد: البته اهل بیت (ع) تنها مسئله ای نیست که کارکرد آن از سوی وهابیت تضعیف شده باشد، بلکه خود پیامبر (ص) هم در نگاه این فرقه بسیاری از کارکردهایش را از دست داده است و اندیشه های بسیاری در اسلام است که از گزند این تهاجم فکری غلط و بی مایه مصون نمانده است.

تفرقه؛ ارمان وهابیت

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی در پایان با بیان این که رفتار وهابیت موجب تفرقه در جهان اسلام است، تصریح کرد: امروز ارمان رفتار های وهابیت ایجاد و گسترش تفرقه در درون جامعه اسلامی و به وجود آوردن نگاه های بدبینانه نسبت به اسلام در خارج از جامعه اسلامی است.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی در گفت و گو با مرکز خبر حوزه با اشاره به فرارسیدن سالروز تخریب قبور ائمه بقیع از سوی وهابیت، اظهار داشت: وهابیت قرانت خشکی از دین دارد و بر اساس تحلیل نادرست، به ارائه آموزه های غیر عقلانی دست می زند. وی ادامه داد: این فرقه کمترین ظرفیت را برای گفت و گو با اندیشه های دیگر دارد و به صورت خشن و یک جانبه، با چهره ای عبوس و درهم و با درونی فاقد هر گونه ظرفیت و تأمل به مواجهه با اندیشه هایی با قدمتی به اندازه تاریخ اسلام دست می زند.

وهابیت؛ معرف چهره های خشن از اسلام

رییس مرکز تحقیقات مجلس شورای اسلامی این نوع برخورد با اندیشه های دینی را فضایی برای فعالیت های جنایت کارانه سلفی ها دانسته و گفت: این نوع برخورد، تعامل و مواجهه با اندیشه های اسلامی باعث شده است که چهره های خشن از اسلام معرفی شود و خاستگاهی برای سلفی های تند رو و خشن در فضای جهان اسلام ایجاد شده که گاهی در قالب اقدامات نظامی بروز و ظهور پیدا می کند و مشکلاتی را در جهان اسلام به وجود می آورد.

وی، نوع نگاه درباره مردگان و قبور آنها را از جمله اندیشه های اشتباه وهابیت عنوان کرده و ادامه داد: از جمله اندیشه های وهابیت که با منطق اسلامی در تناقض است، نگاهی است که به مردگان و قبور آنها می شود. دیدگاه این فرقه حتی شامل اولیای الهی و شخصیت های بزرگ اسلام می شود، بدون این که ذره ای فلسفه و جودی توسل و تبرک و توجه به قبور اولیاء را درک کنند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی، تخریب قبور ائمه (ع) در بقیع را فاجعه ای در تاریخ اسلام بر شمرده و خاطر نشان کرد: وهابیت به صورت خشن و یک جانبه و منطق نادرست افکار و اندیشه های باطل خود را ترویج می دهد.

قبور اولیای الهی، منبعی برای تعظیم شعائر دینی

وی ادامه داد: قبور اولیا و صلحا منبعی برای تعظیم شعائر دینی و جلب توجه به معنویت است و کارکردهای این قبور در کنترل جامعه و پراکنده کردن بذر معنویت و بر انگیزختگی حس فطری به سوی خدا می باشد و رابطه ای با شرک ندارد. رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی با تأکید بر این که توجه به اولیای الهی در تضاد با توجه به خدا نیست، خاطر نشان کرد: این توجه در راستای توجه به خداست؛ به طوری که بر اساس منطق اسلام انسان باید مستقیماً با خدا ارتباط داشته باشد و از امکان توسل جویی نیز بهره گیرد.

وی با بیان این که توسل، جنبه تکمیلی در ارتباط با خدا دارد، تصریح کرد: در منطق اسلام وقتی توسل را بیان می کند،

آیت الله موسوی بجنوردی:

نیازی به رویت هلال ماه نیست

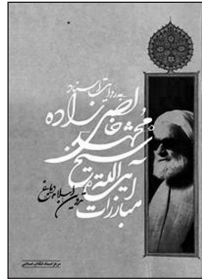
بر همه لازم است که متابعت کنند. البته این در صورتی است که در بحث هلال، حکم حاکم را نافذ بدانیم. طریق سوم؛ در صورتی است که بینه عادل اقامه شود یعنی دو شاهد عادل شهادت بدهند که ماه را دیده اند. شاگرد بنیانگذار جمهوری اسلامی هم چنین توضیح داد: شریعت اسلام شریعتی است که به عقیده من تمام احکامش عقلانی است و طبق واقعیت ها بحث می کند. خیلی وقت ها شرایطی است که واقعیت ها با یک شکلی بیان می شود و مطابق آن روز که می بینید حضرت مساله رویت را فرموده اند برای این است که راهی نداشتند که برای مردم متولد شدن ماه را بیان بکنند چون مردم از کجا باید بفهمند که ماه متولد شده است؟ از آن طرف منجمان در محاسبه اشتباه می کردند. لذا یک راهی را بیان کردند که صد در صد اشتباه در آن نشود، اما در روزگاری که حتی ثانیه تولد ماه مشخص می شود، دیگر نیازی به رویت نداریم. لذا در اینجا به طور صریح می گویم که رویت موضوعیت ندارد بلکه طریقی است آلی التولد. یعنی وقتی که شما رویت کردید این را می رساند که چند ساعت پیش تولد صورت گرفته است.

جماران: آیت الله موسوی بجنوردی با اشاره به این موضوع که نیازی به رویت هلال ماه شوال نیست، گفت: علت اینکه در روایات مساله رویت ماه را بیان کرده اند بدین علت است که آن زمان راهی جز رویت برای کشف اول ماه وجود نداشت. شریعت اسلام شریعتی است که به عقیده من تمام احکامش عقلانی است و طبق واقعیت ها بحث می کند و به طور صریح می گویم که رویت موضوعیت ندارد بلکه طریقت دارد.

وی با بیان اینکه باید عرض کنم که ثبوت هلال ماه شوال به چند طریق است، توضیح داد: طریق اول؛ اینکه خود انسان به اولیت ماه شوال علم پیدا کند. البته این علم، علمی نیست که بگویم باید از طریق خاص و معینی حاصل شده باشد یا به اصطلاح طلبگی قطعی نیست که آخذ فی الموضوع علی نحو الطریقیه باشد؛ بلکه نفس قطع و علم به اینکه مثلاً فردا اول شوال است برای بنده حجت می شود که فردا دیگر روزه گرفتن حرام است و عید فطر است.

به گفته بجنوردی، طریق دوم "حکم حاکم" است. یعنی مجتهد جامع شرایط اگر حکم کند که فردا اول شوال است

مبارزات آیت الله شیخ محمد خالصی زاده به روایت اسناد



... از طهران به یزد تبعید شدم. زمانی وارد آنجا شدم، مدارس و مساجد و تمام مراکز دینی آنجا را ویران و خالی یافته ام و موقوفات آنها به تملک دیگران در آمده بودند. مراکز فحشا و میکده ها

را آباد دیده ام و کلاً شهر، شهر کمونست های ملحد، بابی ها و زرتشتی ها گشته بود و مسلمانان آن شهر ساکت بودند. در حالی که آن شهر، دارالعباده نامیده می شده است. مدت هجده ماه در آن شهر توقف کردم. در این مدت تمام مدارس دینی و مساجد آباد و بیشتر موقوفات بازگردانده شده اند و صدای بی دینی، چه کمونیستی و چه بابی گری یا زرتشتی فرو نشست و اسلام و مسلمانان صاحبان نفوذ در آن شهر گشته اند. شاه به رغم شرارت های شدید عمالش نتوانست مرا از یزد بیرون کند، ولی همزمان با اعلان خبر ترور وی در طهران، ارتشیان خود را به یزد فرستاد تا مرا دستگیر کنند، با این حال ارتش در این مأموریت ناکام ماند، زیرا نظر بیشتر اهالی یزد بر حمایت از من بوده است...

تقویم تاریخ دفاع مقدس (در راه پیروزی)



در آخرین روزهای این ماه ارتش عراق تک مختل کننده ای را در منطقه عملیاتی کربلا ۲ به اجرا گذاشت که تا ۲۹ اسفند ادامه یافت. با شکست آن تک، دستور آگهی برای اجرای عملیات عظیم فتح المبین توسط قرارگاه کربلا صادر شد و همه یگان های شرکت کننده می رفتند تا در روزهای پایانی اسفند ماه، خوشه چین پیروز تلاش های بی وقفه خود باشند و در راه پیروزی و فتحی مبین گام های نهایی را بردارند.

حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

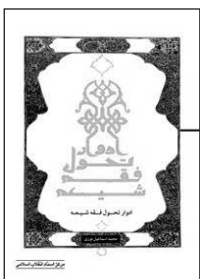
حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با تحقق انقلاب اسلامی در برابر استبداد شاهان و استعمار بیگانگان، الگویی از مردم سالاری دینی بود که فرمول جدیدی از سازمان مردم و حاکمیت را تعریف می کند. مطابق این

معرفی کتاب مرکز اسناد انقلاب اسلامی



الگو آرمان های انسان به عنوان اشرف مخلوقات و بنده پروردگار متعال می بایست با مسیر رشد و تعالی فردی و اجتماعی او در یک راستا و مورد احترام و حمایت حکومت و جامعه قرار بگیرد و متقابلاً او نیز با مشارکت در حکومت، مسیر رشد خود و دیگران را فراهم سازد.

ادوار تحول فقه شیعه



تدوین و نگارش خدمات علمی و فعالیت های سیاسی علمای شیعه و بالطبع ترسیم مسیر شکل گیری و تکوین فقه شیعه در آثار وزین مرحوم علامه دوانی با عنوان "مفاخر اسلام" به صورتی بسیار مبسوط و در چندین مجلد فراهم آمده است که غالباً مأخذ اصلی تمامی پژوهشگران این عرصه می باشد. اثر پیش رو نیز با عنایت و بهره گیری از تمامی آثار قدیمی و جدید مرتبط با این حوزه به رشته ی تحریر در آمده است که جدا از پیمودن مسیری مشخص در تکوین و تحول فقه شیعه با تقسیم بندی دقیق این مسیر طولانی به هشت دوره ی مجزا، ضمن ارائه ی خصوصیات هر دوره به معرفی فقه های تأثیرگذار و نامدار آن عصر پرداخته است. اهتمام نویسنده به درج مختصری درباره ی تاریخچه ی تحولات سیاسی دوره های مختلف و آمد و شد خاندان های حکومتگر و دست به دست شدن قدرت سیاسی و تأثیرات آنان بر فقه و فقه ستودنی است.

بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی خسرو شاهی

سردبیر:

سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (مفاتیح) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com